

ابراهیم حاتمی کیا در برنامه «ملک سلیمان»:

# برای رفتن به سوریه به حاج قاسم التماس کردم

مطرح کرد که ما به کجا می‌رویم؟ او شخصیتی چندوجهی داشت و جنگ حاج قاسم سلیمانی با اشراک کرمان جزئیات بسیاری دارد و این سوال مطرح می‌شود که چطور توانسته عمل کند که بن بست آنجا را باز کند. در عین حال هیچ چیز واضح نیست و همه در مه حرکت می‌کنند. تنها سیگنال برای حاج قاسم ارتباطش با «آقا» بود و بعدها عمق این ارادت را دیدیم. وگرنه آنچه در اطرافش می‌گذشت هیچ کدام پالس مثبت نداشت، از جمله رئیس جمهوری که بر سر کار آمده بود که حتی قبول نداشت به آن کشور (سوریه) برود. مطمئنم او با خودش فکر می‌کرد آیا اینها ظرفیتش را دارند که بعضی چیزها را بشنوند؟ چون جایی ایستاده بود و جایی اختیار داشت که آدم خودش را می‌خواست. او این ظرفیت را در ما و من هم نمی‌دید و شاید اگر می‌دید، می‌گفت بیا کنارم بایست. من هم توفیق نداشتیم که کنارش باشیم. وقتی داغش شروع شد، انگار بدل قابلی ما را جلوی ما با آن مختصات زده بودند و نیاز به جنگاوری مانند حاج قاسم داشتیم که سحر اینها را باطل کند.

## حاج قاسم بن بست‌های ذهن من را باز می‌کرد

حاتمی کیا درباره دست‌نویسی که سردار سلیمانی خطاب به حاتمی کیا درباره کتاب «آن ۲۳ نفر» نوشته بود، گفت: «جزئیات آن را نمی‌دانم فقط در جریان هستم که نامه نوشته بودند که می‌توانم درباره آن ۲۳ نفر که در زمان جنگ نوجوان بودم، فیلم بسازم که نشد این اتفاق بیفتد، اما نکته مثبت این شد که مهدی جعفری فیلمبردار به وقت شام، در مورد قضیه ۲۳ نفر تحقیق کرد و مستندی هم ساخته بود. من مشوق او شدم و خدا را شکر این فیلم ساخته شد. چیزی که برای من شخصیت حاج قاسم را جالب می‌کند، مربوط به کارزمایی می‌شود که بین مردم داشت. با اینکه می‌دانستیم حاج قاسم کارهای مهمی دارد، ما تا نامل به صحبت‌ها گوش می‌کرد و شاید تنها دو شخصیت است که جلویشان دست و دلم می‌لرزید که یکی شخصیت آقا است و دیگری حاج قاسم بود. حاج قاسم شخصیتی بود که بن بست‌های ذهن من را باز می‌کرد. روز اولی که وارد فضای کار (سینما) شدم، گفتم غیر از گفتن و فیلم ساختن از بچه‌های جنگ چیز دیگری نمی‌خواهم بگویم و بسازم و اگر گفتم و ساختم، لاپراتورها بسوزانند که حتی بعدها این حرف را بر سر من زدند. فقط فیلم «دعوت» خارج از این فضا بود که آن هم به خاطر بحث قرآنی درباره کوتاه کردن و به نوعی اتفاقاتی که در مقابل (اراده) خواندن می‌افتد، بود. باز هم می‌گویم که همه فیلم‌هایم به جز فیلم «دعوت» به نوعی به نسل بچه‌های آرمان‌گرای جنگ اشاره دارد، به هر حال، در این سال‌ها نخله‌های سیاسی در ایران ایجاد شده، از این نسل برخی چپ شده‌اند و برخی راست و قبل تر هم چیزهای دیگری وجود داشت. حاج قاسم در عین حال که همه اینها را داشت، اما انگار لهجه‌ای داشت که وارد هیچ کدام از اینها نمی‌شد. او خط‌کشی سیاسی خاصی از خود بروز نمی‌داد، اما در حوزه مکتبی خود به صراحت می‌ایستاد و «آقا» خط او بود. نمی‌گویم بقیه پیرو نیستند، اما چه جلوه و مختصاتی وجود دارد که بچه‌ای از اطراف روستای کرمان تربیت و بزرگ شود که همه و حتی یک ژنرال آمریکایی - که دشمن شمرده می‌شود - به او احترام بگذارند. او برای کاری که می‌خواست انجام دهد، منتظر نمی‌شد و همیشه دوپله جلوتر می‌ایستاد و ما باید خود را به او می‌رساندیم. در پایان می‌خواهم در مورد مرگ آگاهی شهید سلیمانی صحبت کنم. تمام دیدارها و جلسه‌ها و نوع برخورد او نشان می‌داد که آگاه است به کدام سمت می‌رود. رمزی که او انجام داد، ترجمان آن چیزی است که به عنوان مفهوم مکتب مطرح بود.»



که این طور نباشم و خجالت می‌کشم و حاج قاسم یادم می‌اندازد که به سیمیرغ‌ها فکر نکنم، اما واقعا بحتم فراتر از اینهاست و کاش سینما بیشتر از اینها بتواند وارد این مباحث شود. وقتی فیلم مرا می‌زدند؛ این معنا را در بدنه سینما داشت که آقای جوانی که می‌خواهی فیلم بسازی سراغ این بحث‌ها نرو، این بحث‌ها گفتنی نیست.»

## دیدار سینماگران با حاج قاسم

این کارگردان درباره جلسه‌ای که جمعی از سینماگران با سردار سلیمانی داشتند، گفت: «به آقایان درویش، محمدی، راعی، میرکریمی، تبریزی و برزیده گفتم جرعه‌ای از وجود حاج قاسم سلیمانی نوشیدم، شما هم بیایید او را از نزدیک ببینید و با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنید. اتفاقا خیلی جلسه خوبی بود و نظر خوبی نسبت به آن داشتند.»

## «موسی» را به این دلیل قبول کردم

### که حاج قاسم را دیدم

حاتمی کیا در بخشی از این برنامه هم به مدت زمان دیدار با حاج قاسم سلیمانی و دلیل پذیرش سریال «موسی» اشاره کرد و گفت: «شاید حتی ۱۰ ساعت پشت سرهم حاج قاسم را ندیده باشم، اما انرژی که از او گرفتم، همیشگی است و اصلا موسی را به این دلیل قبول کردم که حاج قاسم را دیدم. گرچه هیچ ارتباطی نداره، اما بعد از شهادت ایشان در منطقه تحقیق می‌کردم، چون دوست داشتم حاج قاسم را بیشتر بشناسم. حاج قاسم آدمی بود که در توفان‌ها جلو می‌رفت و با خصلت‌هایی که از ایشان شناختم و جزئیاتی که از حمله عملیات بوکمال دریافت کردم، متوجه شدم که چقدر درد می‌کشیده، چقدر باید سختی‌های زیادی را تحمل می‌کرد. تمام اینها باعث شد این سوژه را (پروژه حضرت موسی) بپذیرم. شهید سلیمانی یک استراتژیست به شدت متبحر در جایگاه خود بود. برای دیدن یک چیز، حتما به آن فضا مشرف بود و این در نحوه گفتش پدیدار می‌شد. یک روز در فرآیند تحقیقاتم متوجه شدم با بچه‌هایی که تازه وارد نیروی قدس شده بودند، صحبت و این پرسش را

چهارم کردم. فیلم من درباره حاج قاسم نبود بلکه بیشتر مرتبط با نیروهای مقاومت بود؛ چون سینما نوعی تبلیغ است که در قالب آن مجاز به گفتن هر چیزی نبودم. این برایم دغدغه بود چطور از این هزارتو بگذرم که آنچه می‌خواهم به مخاطب منتقل کنم، انسانی باشد و دلیل بودن در منطقه را توضیح دهم و بگویم چرا این کار را انجام می‌دهیم. وقتی حاج قاسم می‌خواست فیلم را ببیند، از اضطراب، انگار قلبم به دهانم آمده بود. الحمدلله وقتی حاج قاسم فیلم را دیدند، هم چشم‌های اشک‌آلود و هم واکنش او را که دستم را گرفت، دیدم و نفسم باز شد.» وی افزود: «حاج قاسم نسبت به به وقت شام بیش از اندازه محبت داشت، اما این فیلم در مقابل آنچه این عزیزان انجام می‌دادند، واقعا کوچک است و نمی‌توانستیم و هنوز نمی‌توانیم از این واقعه صحبت کنیم. این حمل بر خودستایی و شکسته‌نفسی نیست، چون تا اندازه‌ای می‌توان یک سری حرف‌ها را گفت و مطمئنم حاج قاسم کوهی از این مسائل با خود داشت، اما با خودش برد. من سر هیچ فیلمی به این شکل از خانواده شهدا هدیه نگرفتم که سر این فیلم گرفتم. به عنوان مثال، فرزند یک مدافع حرم اهل آبادان عینک ری‌بین، یکی قهیه و دیگری انگشتر خود را به من هدیه داد. سینما دوست نداشت فیلمی در این فضاها ساخته شود، بعضی از دوستان خیرخواه مرا از رفتن در این مسیر نهی کردند. الان هم بر همگان آشکار است که داغش چه می‌کند و در شیراز چه کرد و با چه دیدی آمد.»

## ناراحت بودم چرا به مباحثی مانند

### فیلم «چ» توجه نمی‌شود

حاتمی کیا در بخشی دیگر به فیلم «چ» و نامه‌ای که سردار سلیمانی خطاب به فیلم «چ» و سیمیرغ فجر نوشته بود، اشاره کرد و گفت: «فیلم چ را که ساختم، در خود جشنواره فیلم فجر مهجور شد. آن موقع به این دلیل ناراحت بودم که چرا به این مسائل توجه نمی‌کنند و در واقع بحتم فراتر از تندیس شیشه‌ای سیمیرغ بود. گاهی شخصی مانند حاج قاسم به قدری بزرگ است که هرچقدر ناملایمات پیش رویش قرار بگیرد، بزرگ‌تر می‌شود، اما ظرف وجودی من کوچک‌تر است. سعی می‌کنم

هزار دلیل و بهانه، هنرشان ربطی با خودشان ندارد؛ می‌بینی مذهبی است، ولی در فیلم‌سازی لایک شده! آرمان گراست، ولی در فیلمش به شدت واقع‌گراست.» حالا بعد از گذشت پنج سال حاتمی کیا جلوی دوربین ملک سلیمان نشست و از جلسه‌ای گفت که با حاج قاسم سلیمانی برای فیلم «به وقت شام» داشته است. حاتمی کیا درباره این دیدار گفت: «در آن جلسه من قضیه به وقت شام را مطرح کردم و گفتم اجازه بدهید بروم و تحقیق کنم، اما راه نمی‌داند. گفتم من هم باید آنجا را ببینم تا در جریان این فضا باشم، اما به جهت مسائل امنیتی سخت می‌گرفتند، چون ما از جهانی در معرض دید بودیم و این برای تشکیلات سپاه قدس دردسرساز بود. یادم می‌آید در جلسه اولی که سردار سلیمانی را دیدم، خیلی صریح اعتراض کردم و ایشان هم با تحمل گوش می‌دادند. اعتراض من این بود، به جای اینکه از سمت شما تشویق شوم، در حال التماسم و چرا به هر دری می‌زنم، راه برای فیلمسازی من در سوریه باز نیست؛ تا اینکه بالاخره سردار اجازه داد و یکی از موثرترین شخصیت‌ها و نیروهای منطقه خود را پیش من گذاشت. این شخصیت سرگذشت و تاریخچه اتفاقاتی که در سوریه اعم از پیشروی‌ها و عقب‌نشینی رخ داد را برایم توضیح داد تا اینکه به تدمور، حلب و جاهایی رفتیم که می‌خواستیم، ببینم.»

حاتمی کیا با اشاره به اتفاقی که برایش جالب بوده گفت: «در آنجا بچه‌هایی که بعدا فکر می‌کردم بعد از جنگ دیگر نیستند و هرکدام وارد حیطه خاصی از سیاست و اقتصاد شدند را دیدم. انگار زمان پس و پیش شده بود. می‌دیدم که ادبیات این بچه‌ها همان ادبیات جنگ است اما با آمدن رسانه در ابعاد بزرگ‌تر، زنگ‌تر شده‌اند و می‌دانستند با تلفن‌های همراه خود چه کاری انجام می‌دهند. اینها نه تنها برایم جالب بود؛ بلکه نفس بسته مرا باز می‌کرد و به این نتیجه رسیدم این راه و این بچه‌ها تمام نشدند و ادامه دارد.»

## اضطراب حاتمی کیا از واکنش سردار سلیمانی

### پس از تماشای به وقت شام

این کارگردان افزود: «فیلمنامه به وقت شام را برای حاج قاسم فرستادم و مطمئن بودم دلش شور می‌زند که



عاطفه جعفری

خبرنگار گروه فرهنگ

قسمت پنجم از فصل سوم برنامه تلویزیونی «ملک سلیمان» ویژه سومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی با اجرای محمدعلی صدیقی نیا با محور دغدغه‌های فرهنگی سردار قاسم سلیمانی با حضور ابراهیم حاتمی کیا، کارگردان فیلم‌های حوزه دفاع مقدس و مقاومت روی آنتن شبکه یک سیما رفت. برنامه‌ای که بعد از چند وقت پای ابراهیم حاتمی کیا را به آنتن تلویزیون باز کرد. حاتمی کیا در ابتدای برنامه درباره نحوه آشنایی خود با سردار سلیمانی گفت: «من چهار دهه از عمر خودم را در سینما گذراندم. زمانی که جنگ تمام شد تا جاهایی حرف برای گفتن داشتم، اما به یک‌باره این برایم مساله شد که دیگر چه چیزی برای گفتن داریم؟ می‌دیدم بچه‌هایی که آنها را می‌شناختم، هرکدام به نوعی پراکنده و بعضی وارد سیاست و عده‌ای وارد اقتصاد شدند و برخی هم به پادگان‌ها رفتند؛ من این افق آرمان‌ها را بیشتر از این نمی‌دیدم و روی آن گیر و بحث داشتم که از اینجا به بعد باید چه چیزی را تبدیل به مساله کنیم؟ وقتی موضوع بوسنی هرزگوین پیش آمد، حس کردم مفری برای بچه‌های آرمانگراست؛ ولی پوسته آن خیلی سخت و محکم بود. با این وجود، واردناستم فیلم «خاکستر سبز» را بسازم ولی نمی‌توانستم عمیق وارد مساله شوم. این بار، احساس کردم نفسم در حال بند آمدن است و چه باید کرد و ما کجا ایستادیم؟

اما انگار حاج قاسم این نفس را باز کرد.» حاتمی کیا ادامه داد: «قبل از اینکه حاج قاسم را ببینم این احساس را داشتم که میان نسل بچه‌های جنگ نوعی انقطاع رخ داده و هرکس به سر زندگی خودش رفته است و سوال اینجاست که آیا تمام شده است؟ دیگر چیزی برای گفتن وجود ندارد؟ یعنی همه باید درگیر اقتصاد و مسائل روز شویم؟ که حاج قاسم به ناگاه این راه را باز کرد؛ یعنی وقتی بحث محور مقاومت، سوریه و لبنان مطرح شد، با زبان و ادبیات دیگری ایشان وارد میدان عمل شد. من با عزیزی که پیشکسوت این حوزه هستند، آشنا هستم اما حاج قاسم طعم و رنگ دیگری داشت و نوع دیگری وارد بحث می‌شد.»

## شباهت گریم حیدر ذبیحی «بادیگارد»

### به سردار سلیمانی

حاتمی کیا با آن حس همیشگی که در کلام دارد، در مورد حاج قاسم صحبت کرد و در مورد اولین دیدارشان با سردار سلیمانی گفت: «اولین بار حاج قاسم را در زمان حضور «بادیگارد» در جشنواره فیلم فجر سال ۹۴ و شب قبل از اختتامیه دیدم. به این دلیل که نسبت به ایشان ارادت داشتم، سعی کردم چهره بازرگ اصلی‌ام (پرویز پرستویی) شبیه حاج قاسم سلیمانی باشد. از همان اول عکس حاج قاسم سلیمانی را گذاشتم و گریمر براساس همین کارش را انجام داد. متعسفم حاج قاسم فراتر از نقش حیدر ذبیحی فیلم بادیگارد بود و اصلا چنین تصویری نداشتیم، اما دوست داشتم به او نزدیک شوم. البته حاج قاسم، فیلم را دید و پسندید و بعد ما را به دفترش دعوت کرد.»

## التماس به حاج قاسم برای رفتن به سوریه

پنج سال پیش وقتی که «به وقت شام» در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، ابراهیم حاتمی کیا با طرح گلایه‌هایی گفت: «دلم می‌خواهد با همه قوا از همه آنچه بدم و می‌دانم در خدمت آرمان حرف بزنم، سوء تفاهم وقتی آغاز می‌شود که تو را آن گونه که هستتید نخواهند. من با آنچه با کلام و واژه گفتم و آنچه با تصویر ساختم یکی هستم. خیلی از همفکرانم به

## چارسو

## از سرگیری شیوه «استادشگردی» در رشته‌های هنری

محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه جلسه امروز هیات دولت در جمع خبرنگاران گفت: «در هفته جاری مصوبه خوبی در شورای هنر داشتیم و آن پذیرش نظام «استادشگردی» در آموزش‌های هنری بود. در دانشگاه‌ها حوزه هنر نیز به مانند سایر رشته‌ها دیده شده است. هنرمندان و اساتید هنری انتقاد داشتند که این رویه باید اصلاح شود.» وی افزود: «بنابراین این موضوع در دستورکار ما قرار گرفت و روز دوشنبه توانستیم این مصوبه را داشته باشیم. در یکی دو رشته هنری به صورت آزمایشی این کار را شروع می‌کنیم و قصد توسعه آن را داریم.» وزیر ارشاد گفت: «امیدواریم در حوزه‌های هنری بتوانیم از روش‌های سنتی و مالوف استادشگردی برای آموزش استفاده کنیم و مدرک دانشگاهی هم بدهیم.» اسماعیلی خاطرنشان کرد: «در حوزه جشنواره‌های فجر جشنواره مهم فجر پیش رو داریم. دوستان من در هر یک از این جشنواره‌ها مشغول فعالیت هستند. دبیرها انتخاب شدند. برخی از جشنواره‌ها در مرحله انتخاب و برخی در مرحله داوری قرار دارند. مهم‌ترین ویژگی این جشنواره‌ها، استانی شدن بیشتر آنهاست.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: «در جشنواره هنری تجسمی که در هفت رشته برگزار می‌شود، اولاً ۳۱ جشنواره استانی داریم؛ یعنی در همه استان‌ها این جشنواره برگزار می‌شود. در تئاتر نیز پس از یک توقف چندساله جشنواره‌های منطقه‌ای داشتیم. اکنون در چهار منطقه هشت تا نه استان فعالیت‌های تئاتری‌شان را به داوری گذاشته‌اند. اتفاقات بسیار خوبی افتاده است. از شنبه در کرمانشاه و از امروز در بوهر برنامه داشتیم و برای ورود به جشنواره آماده می‌شویم.» وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «فعالیت‌های هنری با از سرگیری فعالیت‌های موسیقی از هفته جاری شروع شد. از هفته بعد نیز همکاران من در معاونت هنری و دفتر موسیقی، سایت فروش بلیت برای کنسرت‌های مختلف را فعال خواهند کرد.» اسماعیلی همچنین خبر داد: «به‌زودی دومین جلسه شورای عالی سینما را خواهیم داشت. پیگیر مصوبات جلسه اول هستیم که الحمدلله در آن توفیقات زیادی داشتیم.» وزیر ارشاد تاکید کرد: «یک تحول جدی در ساخت برنامه‌های نمایشی به ویژه فیلم به وجود خواهیم آورد. با اعتبارات خوبی که دولت اختصاص داده شاهد تحول خواهیم بود.»



## کاهش ۲۵ درصدی عناوین نشر در آذرماه

آمارهای نشر در آذرماه حکایت از کاهش ۲۵ درصدی عناوین نشر دارد، در مقابل قیمت کتاب‌ها نسبت به بازه زمانی مشابه ۵۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. خیرگزاری تسنیم در این باره نوشت: «براساس آمارهای نشر در آذرماه سال جاری ۹ هزار و ۱۳۶ عنوان کتاب منتشر شده است که نسبت به بازه زمانی مشابه در سال گذشته ۲۵ درصد کاهش داشته است.» از میان تعداد عناوین منتشر شده در آذرماه، شش هزار و ۶۸۶ عنوان تالیفی و ۲ هزار و ۴۵۰ عنوان ترجمه هستند، ناشران تهرانی شش هزار و ۶۹۰ عنوان کتاب و ناشران شهرستانی دو هزار و ۴۴۴ عنوان منتشر کرده‌اند. شمار کتاب‌های چاپ اول در آذر پنج هزار و ۵۹۹ عنوان و تجدیدچاپی‌ها سه هزار و ۵۴۶ عنوان بوده است، میانگین شمارگان کتاب به هزار و ۹۰ عنوان رسیده و میانگین قیمت کتاب نیز به ۸۵ هزار و ۲۰۰ تومان رسیده است که نسبت به بازه زمانی مشابه در سال گذشته ۵۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. البته قیمت کتاب در آذرماه نسبت به آبان یا کاهش ۱۸ درصدی مواجه بوده است. در میان رده‌های دیوبی نشر کتاب‌های کودک و نوجوان با هزار و ۸۸۶ عنوان در صدر فهرست انتشار کتاب قرار دارند و پس از آن ادبیات با هزار و ۵۴۹ عنوان، کمک‌درسی با هزار و ۱۰۶ عنوان در رده‌های بعدی قرار دارد. در حوزه کودکان و نوجوانان هزار و ۸۸۶ عنوان کتاب منتشر شده است که از این تعداد هزار و ۲۴۷ عنوان تالیفی و ۶۴۹ عنوان ترجمه است. ناشران تهرانی هزار و ۴۴۴ عنوان و ناشران شهرستانی ۴۴۲ عنوان کتاب منتشر کرده‌اند. در حوزه کودک و نوجوان ۸۵۶ عنوان چاپ اول و هزار و ۳۰ عنوان تجدید چاپی هستند، فرونی گرفتن شمار تجدیدچاپی‌ها نسبت به چاپ اولی‌ها در حوزه کودک و نوجوان به یک روند ثابت در آمار نشر تبدیل شده و نگرانی بسیاری از فعالان این حوزه را برانگیخته است. میانگین شمارگان کتاب کودک و نوجوان در آذر ماه با افزایش همراه بوده و به دو هزار و ۱۱۶ نسخه رسیده است. همچنین میانگین قیمت در این حوزه نیز به ۴۱ هزار و ۷۰۰ تومان رسید است که نسبت به بازه زمانی مشابه سال گذشته ۱۳ درصد رشد داشته است. در حوزه ادبیات نیز هزار و ۵۴۹ عنوان کتاب منتشر شده است که از این تعداد هزار و ۸۵ عنوان تالیفی و ۴۶۴ عنوان ترجمه بوده‌اند، شمار کتاب‌های چاپ اول این حوزه نیز هزار و ۵۱۱ عنوان و شمار تجدید چاپی‌ها ۴۹۸ عنوان است. میانگین قیمت کتاب‌های این حوزه نیز ۸۷ هزار و ۷۰۰ تومان شده است که افزایش ۵۰ درصدی نسبت به بازه زمانی مشابه سال گذشته را نشان می‌دهد.

